

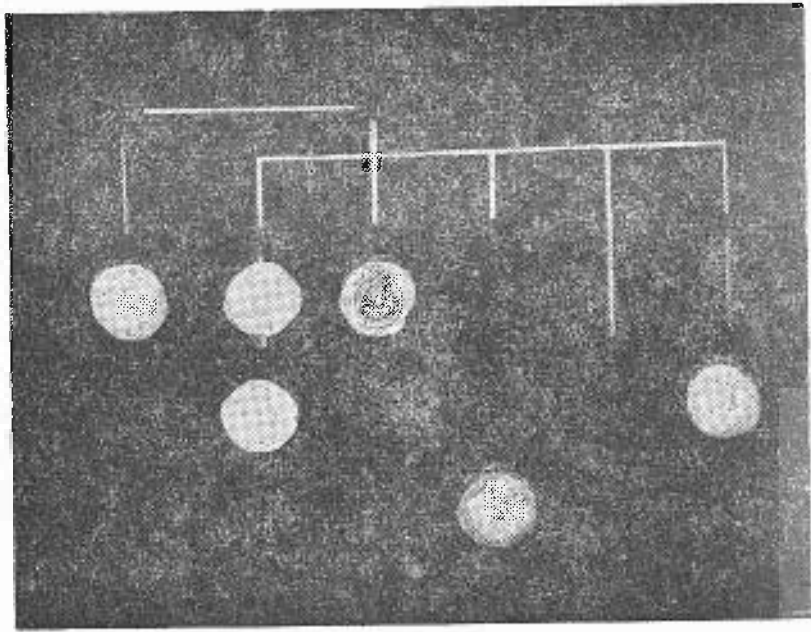
## سکه‌های ساسانی

در اسفند ماه ۱۳۵۰ نخستین جلد از یک سری کتاب بنام «مطالعات درباره سکه‌های ساسانی» بزبان فرانسه بقلم اینجانب به بازار آمد. اکنون مشغول نوشتن جلد دوم آن میباشم. سخنرانیهایی که در هفته ایران باستان امسال به من محول شده است قسمتی از این کتابهاست. باوجود اینکه دو روز سخنرانی در هفته ایران باستان برای من در نظر گرفته شده است موضوع آنقدر زیاد است که خورده‌ای از آن فقط بنظر حضار خواهد رسید.

موضوع اول درباره اکتشافاتی چند در مورد شاهنشاهی ساسانی است. دوران مورد علاقه ما سالهای بین ۶۲۸ تا ۶۳۲ میلادی است. پس از قتل خسرو دوم پسرش گواذ دوم فقط برای مدت کوتاهی سلطنت کرد. پس از مرگ او که یا از طاعون و یا از مسموم کردن عمدی او بود پسرش اردشیر سوم را که کودکی بیش نبود در تخت قیمومت خوانسالار ماه آذور گشناسپ بر تخت نشانند. بزرگان دیگر که همطراز خوانسالار بودند نیابت سلطنت او را قبول کردند. در نتیجه فرخان شهروراز سپاهبد مشهور خسرو دوم با کمک هراکلیوس با ارتشی بطرف تیسفون پیشرفت و با کمک رئیس پادگان شاهنشاهی نیو خسرو و سپاهبد نیمروز نامدار گشناسپ به پایتخت رخنه کرد و جریان با قتل شاهنشاه خردسال که یکسال و شش ماه سلطنت کرده بود پایان

آنچه گفته شد متن تاریخی حوادث آن زمان است. اما از نظر سکه‌شناسی تعدادی از این حوادث با حقیقت وفق نمیدهند.

این نمودار سکه‌هایی است که از این شاهنشاهان تا هنگام تحریر جلد اول کتاب



من شناخته شده است. سکه‌های گواذ دوم از سال دوم سلطنت وی، اردشیر سوم از سالهای یک و دو، خسرو سوم از سال دوم، ملکه بوران از سالهای یک و دو و سه و هرمزد پنجم از سال دوم سلطنت در آخرین کاتالگ سکه‌های ساسانی تألیف گوبل<sup>۲</sup> بنظر میرسند.

در ضمن گوبل خسرو سوم را بعنوان خسرو پنجم معرفی نموده است که بعداً راجع به آن صحبت خواهیم نمود.

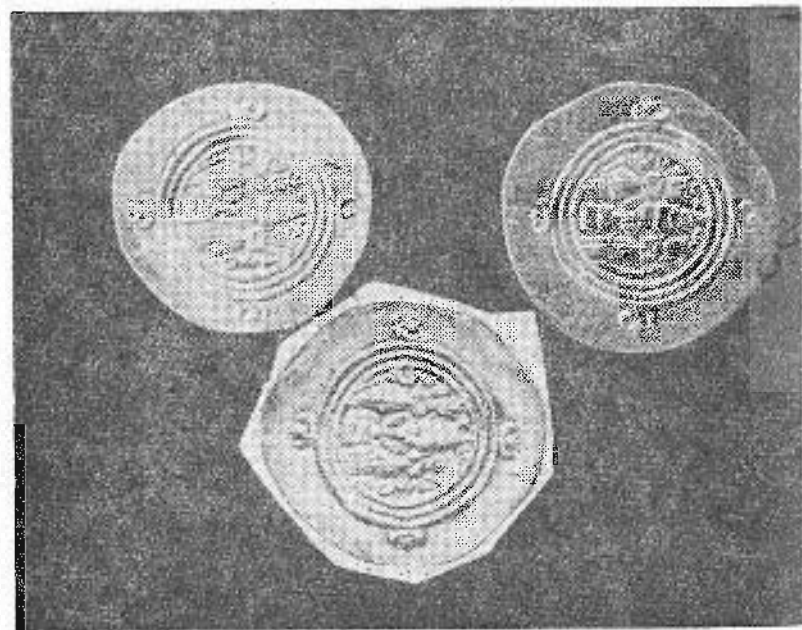
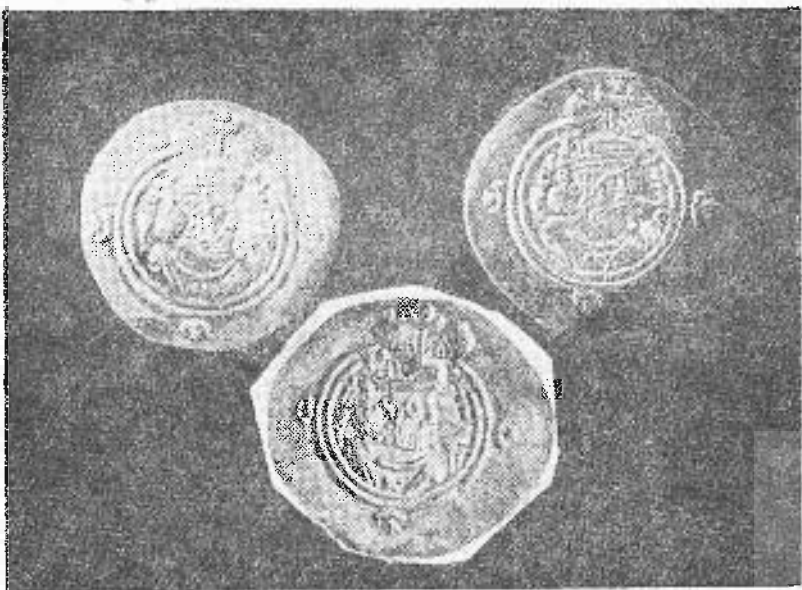
در نتیجه سکه‌های فرخان شهروراز، پیروز دوم، آزر میدخت، خسرو چهارم و فرخزاد خسرو ناشناخته مانده بود.

من که هم خود را صرف یافتن ضرابخانه‌های ساسانی میکردم در مهرماه ۱۳۵۰ به سکه‌شناسی برخوردیم. خصوصیات این سکه از نظر صورت و لباس و تاج و عناصر پشت سکه عیناً شبیه سکه خسرو دوم مینمود. این شباهت شامل تقریباً

پندیرفت. سپس شهروراز بر رسم بهرام چوبین و ویستهم خود را شاهنشاه نامید. اما بزودی توطئه‌ای بر ضد او چیده شد. ریاست توطئه را ماهیار، مربی سواران (شوالیه از این لغت اقتباس شده)، زادان فرخ شخصیت مهم و پوس فرخ جوان اشرافی از شهر استخر برعهده داشتند. پوس فرخ و دو برادرش مأمور کشتن شهروراز گردیدند و در اینکار موفق شدند. خسرو سوم برادرزاده خسرو دوم پسر گواذ در خراسان بتخت نشاندند ولی بزودی توسط فرماندار خراسان بقتل رسید. در تیسفون تاج سلطنت را بر سر ملکه بوران دختر خسرو دوم نهادند. ملکه بوران قرارداد صلحی با بیزانس امضا نمود و صلیب مسیح را که سپاهیان خسرو دوم از اورشلیم با خود به تیسفون آورده بودند مسترد نمود. در اورشلیم به سال ۶۲۹ میلادی جشنی بافتخار باز آمدن صلیب بمحل خود گرفته شد. ملکه بوران بعد از شانزده ماه سلطنت به مرگ طبیعی مرد. در اینجا سلطنت کوتاه شخصی بنام پیروز دوم را باید نامبرد. پس از آن نویت به آزر میدخت میرسد. در تیسفون تاج سلطنت را بر سر این دختر دیگر خسرو دوم مینهند. طبری میگوید که سپاهبندی بنام فرخ هرمزد شور سلطنت در سر میروانید و بنیت رسیدن بناج و تخت از آزر میدخت خواستگاری نمود. آزر میدخت که علناً نمیتوانست تقاضای او را رد نماید پنهانی دستور کشتن او را داد. پسر فرخ هرمزد بنام رستم به قصد انتقام از خسون پدر با ارتش خود پایتخت حمله برده آزر میدخت را دستگیر و دستور داد او را نابینا سازند. معلوم نیست چگونه آزر میدخت جان سپرد. مدت سلطنت او از چند ماهی تجاوز نکرد. در همین زمان باید سلطنت کوتاه دو نفر بنام هرمزد پنجم و خسرو چهارم را نامبرد که جز نام از آنها چیزی نمیدانیم. احتمالاً این دو شاهنشاه فقط در قسمتی از امپراطوری ایران سلطنت میکردند. پس از آزر میدخت فرخزاد خسرو یکی از نوادگان خسرو دوم در تیسفون تاج سلطنت بر سر نهاد. بزرگان شاهنشاهی نوه‌ای از خسرو دوم یعنی پسر شهریار را که کودکی بیش نبود و در استخر، میهن اصلی ساسانیان میزیست بعنوان شاهنشاه انتخاب نمودند؛ اطرافیان او بکمک رستم که در بالا نامبرده شد به تیسفون حمله برده و فرخزاد خسرو را بقتل رسانیدند. در نتیجه پایتخت برای بتخت نشاندن این نوه خسرو دوم تسخیر شد و او آخرین شاهنشاه ساسانی است که بنام یزدگرد سوم بتخت نشست.



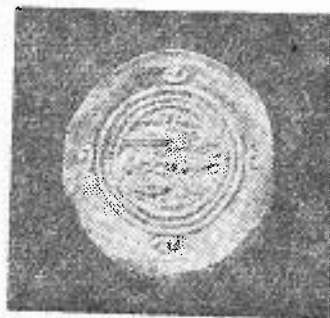
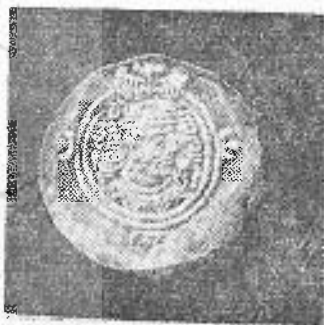
اولاً این شاهنشاه فقط در قسمتی از ایران سلطنت نکرده و سکه‌های او به تعداد زیاد ضرب تیسفون\* است. سکه‌های دیگر او ضرب ری<sup>۴</sup>، استخر<sup>۵</sup>، هرمزد



ارتشیران\*، م ی\*، شیرجان و ایران\*\* میباشند. ثانیاً این شاهنشاه سه سال ضرب

تمام سکه‌های ضرب خورده بعد از خسرو دوم است. سکه‌های عرب ساسانی هم از آن مبری نیستند. موارد استثنائی معدود شامل سکه‌های گواذ دوم، اردشیر سوم و ملکه بوران فقط از نظر تاج و زلف و نیز قسمتی از سکه‌های یزدگرد سوم مشمول همین استثناء است. چیزی که این سکه‌ها را بطور کلی از سکه‌های خسرو دوم متمایز مینماید نام شاهنشاه است و نامی که من در روی سکه منظور میدیدم برایم تازگی داشت. پس از دو روز تفحص، عکسبرداری و بزرگ کردن عکس، نام شاهنشاه را یافتیم. این نام متعلق به یکی از شاهنشاهانی بود که سکه‌اش هنوز پیدا نشده بود. یعنی مربوط به ملکه آرمیدخت بود. همانطور که دکتر کیا در مجله آریامهر راجع به آرمیدخت نوشته است این نام در پهلوی «آرمیکدخت» تلفظ میشده بمعنای دختر عادل که توسط یکی از نویسندگان عرب به «عادل» معرب شده است و بسیاری از دختران ایرانی این اسم معرب را بر خود دارند. لقب دختر عادل را خسرو دوم به دخترش اعطا کرد. اسم حقیقی او خورشید است.

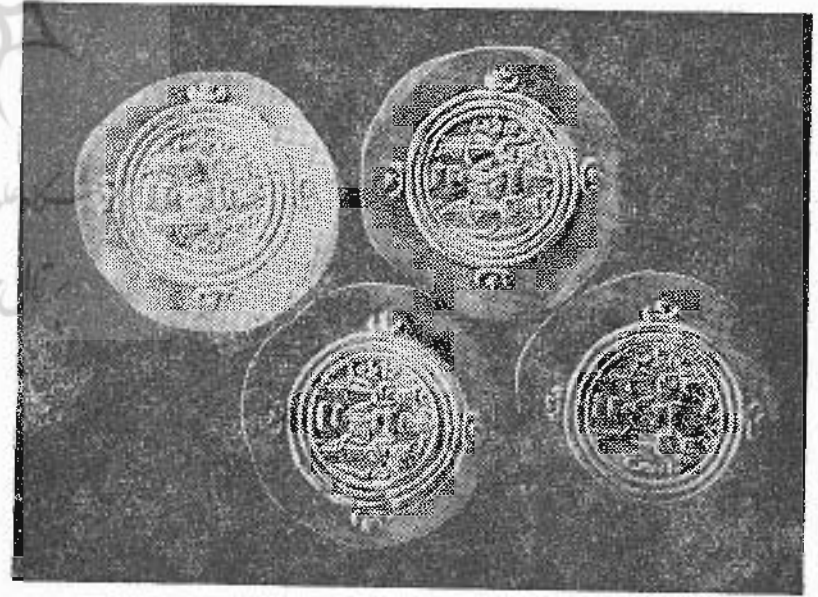
سال یومی ۱۵۱۰  
آرمیکدخت و آرمیکدخت



این سکه از سال يك سلطنت و مربوط به ضرابخانه‌ای است که اینجانب به تیسفون\* نسبت میدهم (بعداً درباره ضرابخانه‌ها ملاحظه خواهد شد). در همان مواقع من به دو سکه هر مزد پنجم مربوط به سال سوم سلطنت او برخوردم. چون موضوع سال سوم جالب مینمود و نشان میداد که هر مزد پنجم شخصیتی بزرگتر از آن باید باشد که در تاریخ فقط او را از سکه‌هایش بشناسند تحقیقات خود را درباره او شروع کردم.



سکه دارد و سکه‌های سال دوم او بسیار فراوانند. چون هیچوقت سکه سال اول او را ندیده بودم بخاطر داشتم که در پلانهای کتاب دومرگان سکه‌ای بنام سال اول

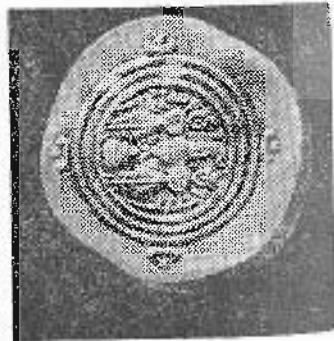
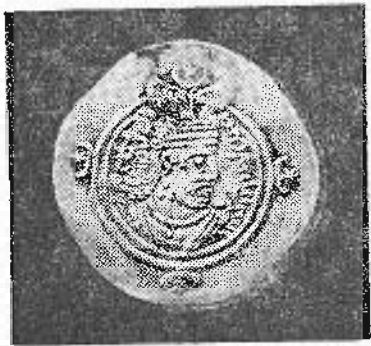


هرمزد پنجم وجود دارد. پس از مراجعه متوجه شدم که سکه سال اول هرمزد پنجم

در کتاب دومرگان ارتباطی به هرمزد پنجم نداشته و سکه آزر میدخت سال اول سلطنت



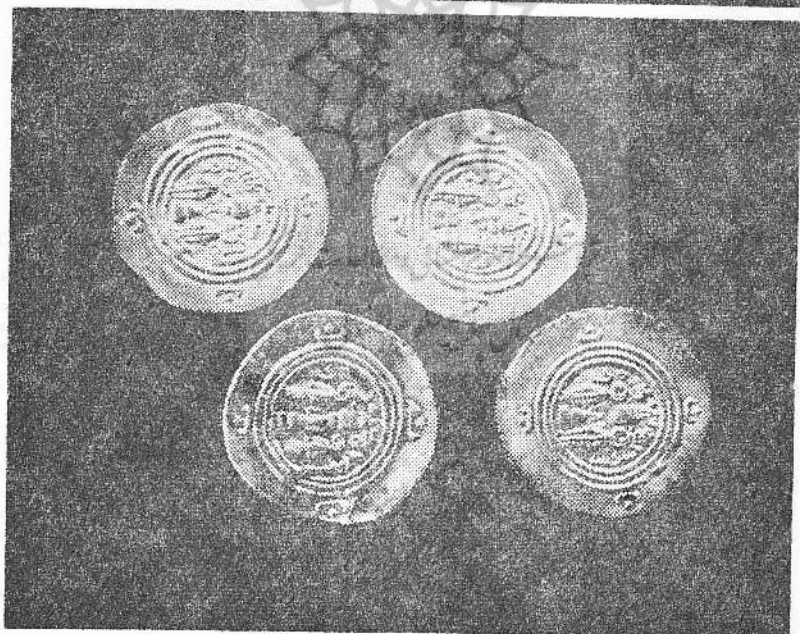
و ضرابخانه تیسفون\* است. چون صورت سکه از آن خسرو دوم است مطمئناً در خواندن اسم او دومرگان دچار تردید شده است. ترتیب دادن این سکه باین نحو از طرف دومرگان مسرا بفکر این انداخت که هرمزد پنجم کسی جز سپاهبد فرخ هرمزد نیست. شاید بدستور او در روی سکه‌های آزر میدخت نقش خسرو دوم را نهاده‌اند که او بعداً بتواند به آسانی با تغییر نام تنها سکه‌های خود را با اسم هرمزد



ضرب زند و از همان زمان ضرب سکه آزر میدخت پوشیدن لباس شاهی را در سر



پرورانده است. در هر حال هنوز سکه‌ای از سال اول هرمزد پنجم پیدا نشده است. سکه‌های آزمونیدخت بسیار کمیاب بنظر می‌رسند. از موقعی که من آنها کشف کرده‌ام



تاکنون دو عدد در موزه سکه‌های پاریس خریداری شده است و یکی هم سرلشگر پیروزان یافته است. سکه سرلشگر پیروزان ضرب شیرجان و سال يك است.

سکه‌های موزه پاریس شبیه سکه من ضرب تیسفون هستند. سکه‌های اخیر توسط اشخاصی که کتاب مرا خوانده بودند به موزه پاریس عرضه شده و بعنوان آزر، میدخت فروخته شده‌اند.

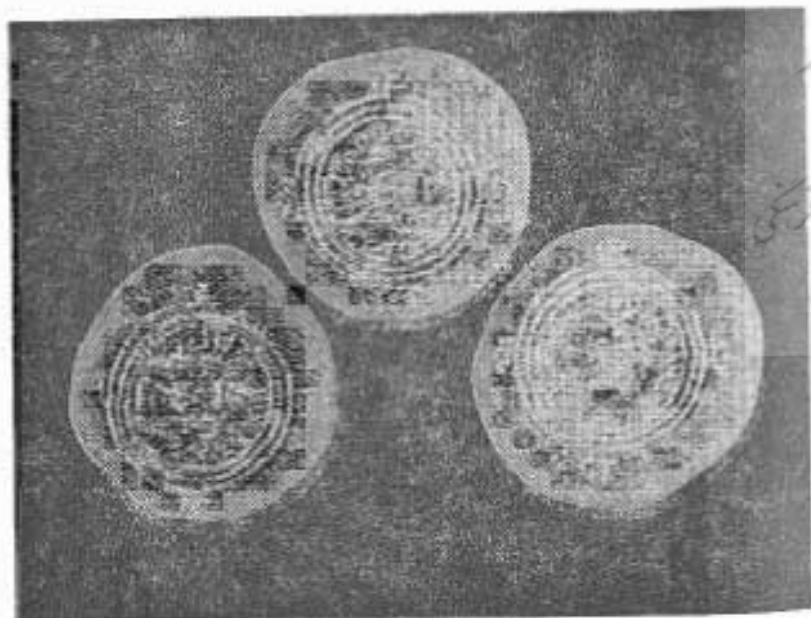
### خسرو سوم

آنچه درباره هرمزد پنجم ذکر شد درباره خسرو سوم نیز صادق است. خسرو سوم فقط در قسمتی از خراسان سلطنت نکرده و سکه‌های نسبتاً کم‌یاب از ضرب تیسفون\*، استخر، ایران\* و کرمان\* هستند. اخیراً يك مجموعه نسبتاً بزرگی از خسرو سوم به موزه سکه‌های پاریس اهدا شده است که متأسفانه من هنوز آنها را ندیده‌ام و احتمالاً نام ضربخانه‌های دیگری از این شاهنشاه در آن موجود است. سکه‌های خسرو سوم همه از سال دوم سلطنت او هستند. گوبل<sup>۱</sup> این شاهنشاه را خسرو پنجم نامیده است. گمان میکنم برای گوبل اشتباهی رخ داده است. چون همانطور که گفتیم این کودک برادرزاده خسرو دوم و اولین خسروی است که پس از او به سلطنت رسیده است. سکه‌های خسرو چهارم هم که نامش برده شد بعداً مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. خسرو پنجم یکی از نوادگان یزدگرد سوم است که يك قرن پس از استقرار اسلام در ایران از آسیای مرکزی یا کمک ترکان تاریخیم نقشه بازگرفتن ایران را در سر می‌پروراند<sup>۲</sup> و هیچ دلیلی ندارد که سکه‌های کودکی را که در گنجینه‌های سکه‌های خسرو دوم یافت میشوند باو نسبت دهیم. پس خسرو سوم مطابق تاریخ همان کودک سکه‌های نامبرده است.

### خسرو چهارم سانی

پس از خسرو پرویز همانطور که یکبار اشاره شد شاهنشاهان دیگر باستانی یکی دو مورد سکه‌های ده سال آخر سلطنت او را به تقلید ضرب و نام خود را بجای نام خسرو نهاده‌اند. این رسم تا حجاج بن یوسف ادامه دارد. حال اگر شاهنشاه مورد نظر نامش خسرو باشد چه اختلافی بین سکه‌های او و خسرو دوم خواهد بود. این مشکل را نوشته پشت سکه روشن می‌نماید. سکه‌های سالهای دو تا هشت سلطنت خسرو دوم از نظر اندازه صورت و شکل آن و طرز نوشته‌ها و مابقی نژادها با سکه‌های ده سال آخر سلطنت او اختلاف قابل توجه دارند بطوریکه

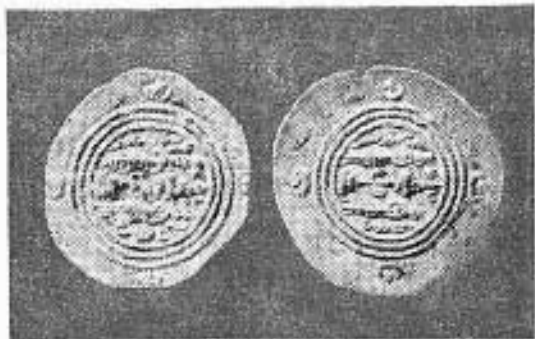
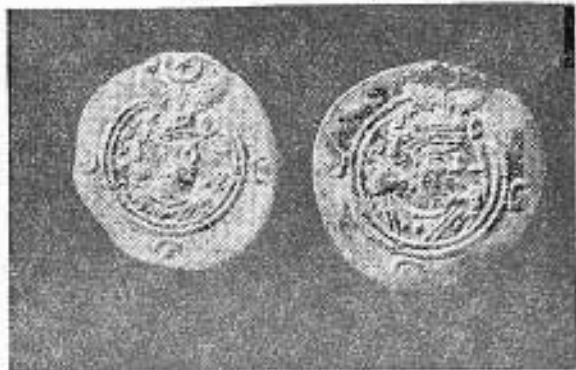




خسرو دوم، خسرو سوم و خسرو چهارم هر سه سال دوم سلطنت - از ضرابخانه تیسفون در مقام نایب.

حتی يك شخص سکه‌شناس که در ساسانیان تبحر نداشته باشد آنها را به دو شاهنشاه مختلف نسبت خواهد داد. سکه‌های خسرو چهارم از نظر تیپ سکه مانند سکه‌های ده سال آخر سلطنت خسرو دوم است اما سال سلطنت او یلثرقمی است. در حقیقت کاشف سکه‌های خسرو چهارم من نیستم. خسرو چهارم در یکی از کتابهای دومرگان بجای خسرو سوم معرفی شده است<sup>۵</sup>. دومرگان مینویسد این سکه‌ها بسیار کمیاب و از سه ضرابخانه مختلف و همه از سال دوم سلطنت هستند. مناسفانه ضرابخانه‌ها را نام نبرده است ولی عکسی که با قلم کشیده‌اند ضرابخانه اردشیر خوره را نمایش میدهد. در کتاب دیگر دومرگان باز هم از خسرو سوم صحبت میشود ولی این بار همان خسرو سوم بدون ریش معرفی شده است. چون در کتاب اول از این خسرو اخیر خبری نیست خواننده گمان میکند که در کتاب اول اشتیاباً در نقش قلمی صورت ریش اضافه شده است و در نتیجه سکه‌های خسرو چهارم در فراموشی افتاده و دیگر هیچکس راجع به آن چیزی ننوشته است. من نتوانستم درک کنم چرا دومرگان در يك کتاب خسرو سوم جوان را جزء لیست آورده و در کتاب دیگر او را از قلم انداخته و خسرو چهارم را بجای او معرفی نموده است؟ همانطور که دومرگان نوشته است سکه‌های خسرو چهارم بسیار کمیابند. ولی چیزی را که دومرگان نگفته است اینست که سالهای سلطنت او از یکسال که فقط سال دوم سلطنت باشد افزون است. این خسرو چهارم که جز سکه‌هایش شناسائی دیگری از شخصیت او نداریم مدتها مدعی سلطنت بوده است و سالهای کشمکش او برای اشغال تخت سلطنت مصادف با شروع سلطنت دوران کودکی بزدگرد سوم شده است. مطمئناً جنگهایی چند بین اردشیر و خسرو چهارم در این دوران وجود داشته است. سکه‌های خسرو چهارم که بر جا گذارد که نمونه آنها خوشبختانه موجود است. سکه‌های خسرو چهارم که تاکنون تحت مطالعه قرار داده‌ام به قرار زیر است:

مطالعات سکه‌شناسی و علوم انسانی



خسرو دوم و خسرو چهارم در مقام مقایسه



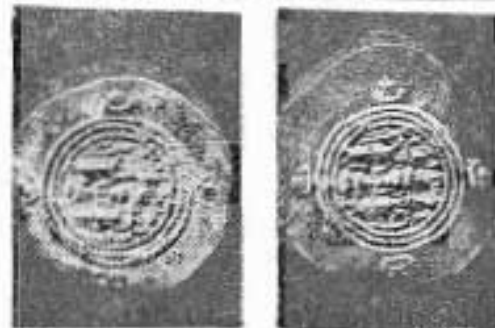
خسرو دوم و خسرو چهارم در مقام مقایسه



خسرو دوم - خسرو چهارم در مقام مقایسه

پرتال جامع علوم انسانی  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





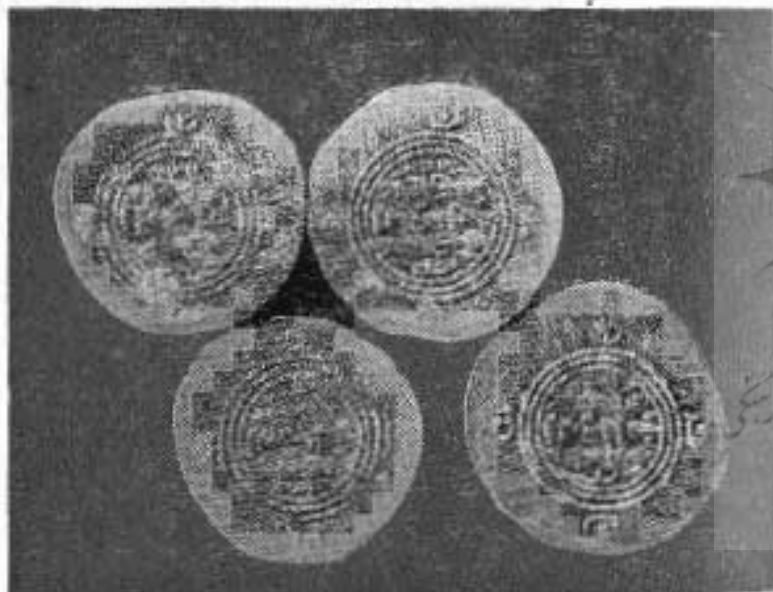
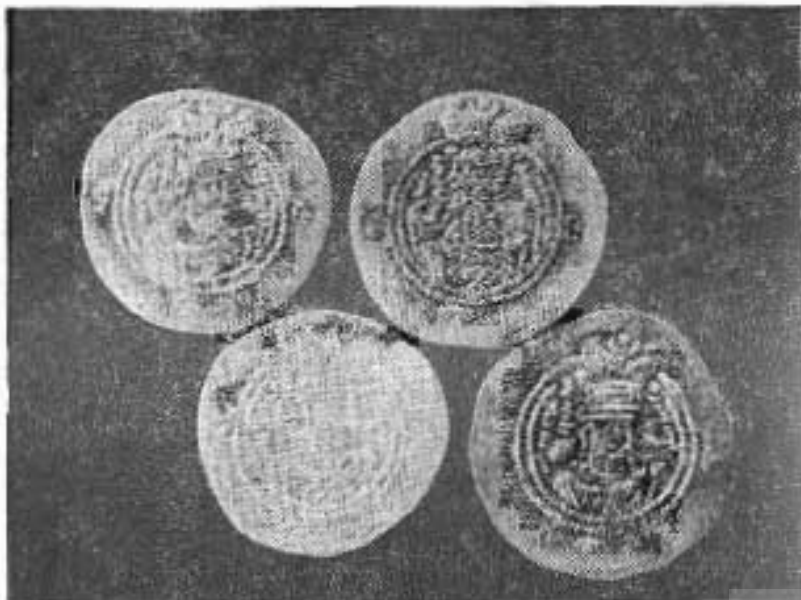
خسرو دوم و خسرو چهارم در مقام مظاہر

۷- تیسفون سال پنجم

فروشنده‌ای در بازار تهران که حاضر نشد آن سکه را جداگانه بفروشد، ماسک

همانطور که ملاحظه میفرمائید خسرو چهارم تا سال هفتم سلطنت سکه‌های شناخته شده دارد. سال سوم و چهارم موجود نیستند. شاید هم در این سالها خسرو چهارم ضرابخانه‌ای در دست نداشته است که سکه بزند. ولی ضرابخانه‌هایی مثل تیسفون، استخر و اصفهان نشان میدهند که خسرو چهارم در فعالیت شدید برای غصب تاج و تخت بوده است.

در ضمن همانطور که تعداد سالها از يك بیشتر است ضرابخانه‌ها هم تاکنون از سه عدد مرقوم در کتاب دومرگان بیشتر بنظر میرسد. با در نظر گرفتن اردشیر خوره دومرگان تعداد ضرابخانه‌های شناخته شده فعلاً به پنج میرسد.\*



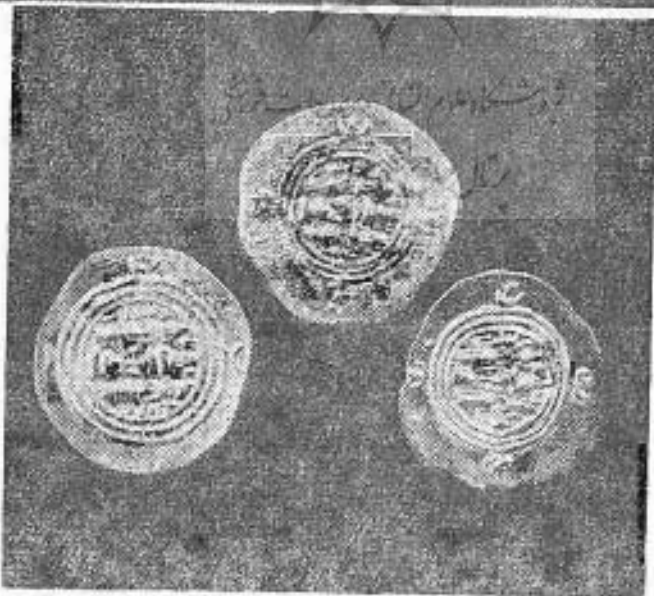
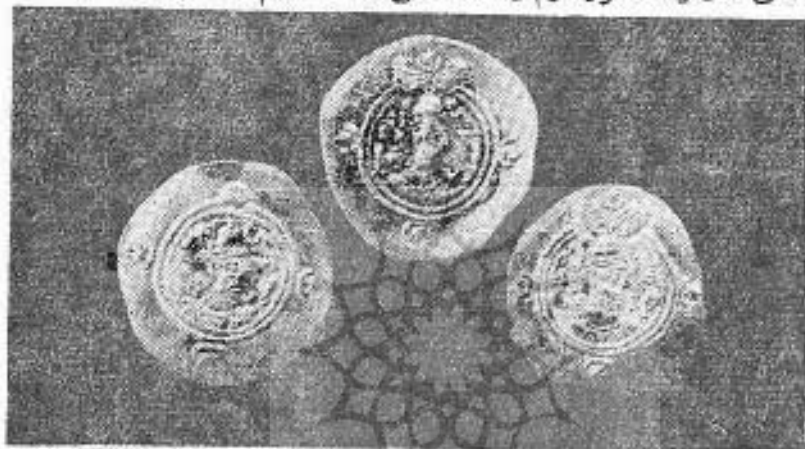
سکه ناشناخته دیگری بنام هرمزد

این سکه‌ی بسیار کمیاب از روی سکه‌های هشت سال اول خسرو دوم تقلید شده است. روی سکه مانند سکه خسرو دوم است ولی بجای خسرو هرمزد نوشته شده است. پشت سکه مانند سکه خسرو دوم از سال دوم تا سالهای هشتم و

نهم است ولی سال آن سال يك و ضرابخانه آن تیسفون است. باید خاطر نشان شود



که سکه‌ی سال اول خسرو دوم و تعداد کمی از سال دوم با سالهای دیگر آن اختلاف



سکه خسرو دوم سال اول - سکه هرمزد سال اول و سکه خسرو دوم سال چهارم  
همه ضرب ایسکون در مقام متا به



دارند. روی سکه سال يك بالهای شاهین هنوز وجود نداشته و تقریباً مانند روی سکه هر مزد چهارم است و پشت سکه‌ی سال اول با وجود تعداد اضافی دو دایره نسبت به سکه‌های هر مزد چهارم فقط چهار هلال ماه بدون ستاره موجود است که با سالهای بعد خسرو دوم که چهار ستاره به هلالهای ماه اضافه میشود اختلاف دارند. در نتیجه اگر اعتراضی به اشتباه در نام شاهنشاه (که هیچوقت در سکه‌های ساسانی سابقه ندارد) وارد میشد پشت سکه که سال اول میباشد و شباهتی به سال اول سکه‌های خسرو دوم ندارد قضیه را حل میکرد.

این سکه مطمئناً مربوط به سال اول هر مزد پنجم نیست چون سکه‌های هر مزد پنجم را به سبک سکه‌های چهل سال قبل از آن ضرب کردن معقول نبوده است. بخصوص که سکه‌های سال دوم و سوم هر مزد پنجم شباهتی به سبک این سکه ندارند. در ضمن هیچ شباهتی بین این سکه و سکه‌های یزدگرد دوم یا پیروز اول موجود نیست که آنرا مربوط به هر مزد سوم بدانیم. سکه‌ی شاهنشاه اخیر که مدت کوتاهی در ۴۵۷ میلادی سلطنت کرده است هنوز پیدا نشده است. پس در همان او ان سلطنت خسرو دوم باید در جستجوی صاحب این سکه بود. در سالهای اول سلطنت خسرو دوم چون ستاره‌شناسان پیش‌بینی کرده بودند که مرگ از نیمروز به‌شاه خواهد آمد، خسرو دستور داد تا استانداران نیمروز بنام مردان‌شاه را که شخصیتی مهم بود دست ببرند. چون مردان‌شاه وفاداری خود را قبلاً ثابت کرده بود، خسرو فقط به بریدن دست راست او قناعت کرد و از جان او گذشت و سپس برای جبران این خسارت ثروت زیاد به او بخشید. ولی مردان‌شاه تقاضا کرد که يك خواسته او مورد اجابت قرارگیرد. خسرو دوم قبول کرد و او تقاضا نمود که او را گردن بزنند تا از آن همه خواری و بی‌عدالتی برهد. پس از مرگ او تنها نتیجه‌ای که خسرو گرفت دشمنی سرسخت پسر مردان‌شاه بنام مهرهرمزد یا نیوهرمزد بود. دیگر تاریخ‌سختی راجع به این شخص نمیگوید ولی حتماً دشمنی مهرهرمزد اهمیتی خاص داشته است که اسم او را به این طریق در تاریخ آورده‌اند. من فعلاً این سکه را به این شخص نسبت میدهم و ضرابخانه تیسفون\* را هم مانند يك «بلوف» از طرف او تلقی میکنم.

از این سکه تاکنون دو عدد مورد مطالعه‌ام قرار گرفته که یکی از آن در موزه ایران باستان و دیگری در مجموعه خود اینجانب است. درم میخ‌های آن چه برای

☆ M. I. Mochiri. Etudes de Numismatique Iranienne Sous Les Sassanides. Tome I.

\*\* M. I. Mochiri. Etudes de Numismatique Iranienne Sous Les Sassanides. Tome II.

۱- A. Christensen. L'Iran Sous Les Sassanides.

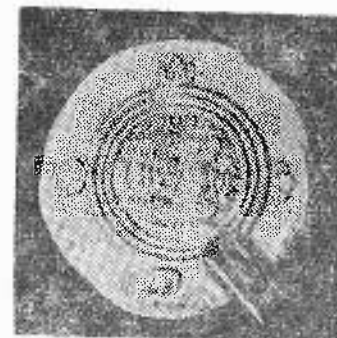
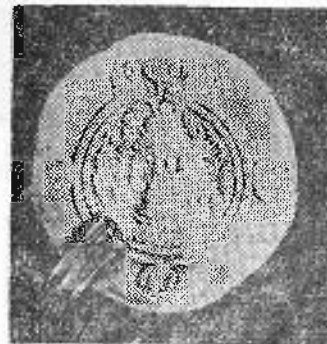
۲- R. Göbl. Sasanidische Numismatik.

۳- کتاب آریامهر - دکتر صادق کیا

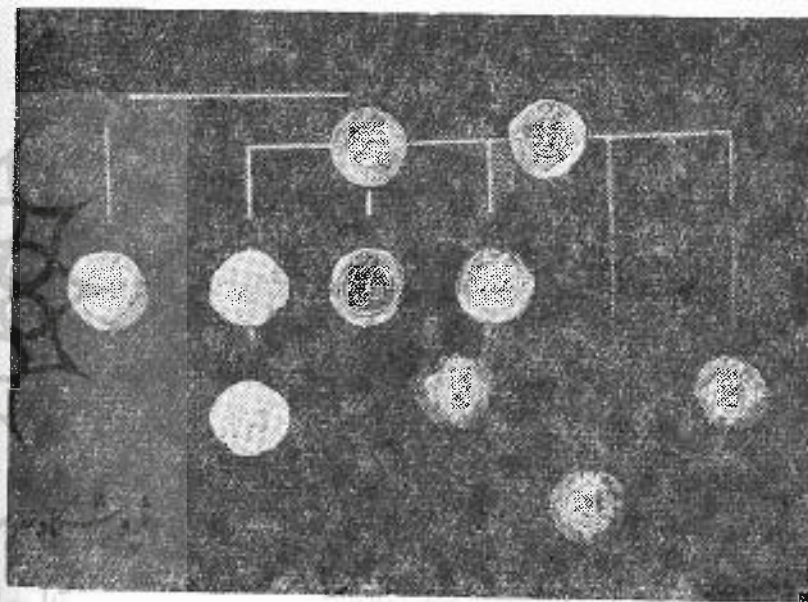
۴- Bernisches Historisches Museum. Bern.

۵- J. De Morgan. Manuel de Numismatique Orientale.

روی سکه و چه برای پشت آن متفاوتند ولی هر دو ضرب تیسفون\* و سال يك



میباشند. در نتیجه در نمودار نخستین ما تغییراتی چند بوجود میآید:



۱- سکه آزر میدخت کشف شد.

۲- سکه خسرو چهارم با اضافاتی چند از فراموشی بیرون آمد.

۳- سکه شخصی بنام هرمزد همزمان سالهای اول خسرو دوم بعنوان هرمزد

پنجم کشف شد.

۴- شخصیت هرمزد پنجم قدیم به سپاهبد فرخ هرمزد نسبت داده شد و با

بوجود آمدن هرمزد پنجم جدید این شخص باید هرمزد ششم نامیده شود.